

بالاترین گناه چیست



آیت الله مظاهری در درس اخلاق اخیر خود گفت: شیعه آنست که عقیده داشته باشد که امام زمان تسلط وجودی بر دلش و در تسلط وجودی بر خانه و زندگی و گفتار و کردارش دارد گفت: نمی شود کسی به جایی برسد که بگوید خدا مرا نمی آموزد و این گناهش از هر گناهی بالاتر است.

آیت الله مظاهری در درس اخلاق اخیر خود گفت: شیعه آنست که عقیده داشته باشد که امام زمان تسلط وجودی بر دلش و در تسلط وجودی بر خانه و زندگی و گفتار و کردارش دارد گفت: نمی شود کسی به جایی برسد که بگوید خدا مرا نمی آموزد و این گناهش از هر گناهی بالاتر است.

به گزارش خبرگزاری مهر؛ آیت الله مظاهری در درس اخلاق ماه رمضان خود مطالبی بیان کرده که متن آن در پی می آید:
الان که می آمدم، جوانی از من یک سؤال کرد و سؤال خوبی بود. گفت: بهترین عبادات در امشب چیست؟ و این انصافاً سؤال خوبیست. جوابش را دادم که بهترین عبادت در این دوسه شب، توبه از گناه است. یک حالتی برای انسان پیدا شود که از رفتارش و از گذشته ها خجالت زده شود و آن حالت موجب شود که یک حالت پشیمانی از گناه و یک حالت اجتناب از گناه برایش پیدا شود، و اگر خدا توفیق دهد اشک گنهکار هم بعد از آن باشد و یک قطره اشک از او بچکد، ثواب این توبه را احدی نمی داند به جز خدا و کسانی که علمشان وابسته به علم خداست.

پروردگار عالم این توبه را خیلی دوست دارد و دوست دارد بنده اش بهشتی شود. در قرآن زیاد آمده که خدا دوست دارد، بنده اش بهشتی شود و رستگار شود و در دنیا یک زندگی خوب و در آخرت یک زندگی خوب تر داشته باشد. اگر کسی بخواهد چنین باشد، چه باید بکند؟ در قدم اول گذشته ها را صاف کند، آلودگی ها را رفع کند و دل مهیا برای رحمت الهی شود، و وقتی دل مهیای رحمت خدا می شود که گناه در این دل نباشد و این دل آلوده نباشد.

امشب چه باید بکنیم که مورد رحمت خدا واقع شویم؟! چه باید بکنیم که دعایمان مستجاب شود و جلسه هم برای خود و هم برای دیگران مهیا شود؟!

باید اول زمینه درست کرد؛ یعنی اول باید دل را پاک کرد و دل به توبه پاک می شود و توبه یعنی پشیمانی از کارهای زشتش. یک حالتی پیدا شود که خجالت زده از خدا شود. اینکه در محضر مقدس خدا از نعمت های خدا سوء استفاده کرده، یعنی گناه کرده و مخالفت کرده است. این حال پشیمانی و افسردگی اگر برایش پیدا شد، لازمه اش اینست که تصمیم می گیرد که گناه نکند. به این توبه می گویند. حال قرآن سر بگیرد و آنگاه ثوابش چندین برابر می شود و اگر قرآن سر نگیرد، دلش پاک شده و توبه اش قبول شده است. استغفار کند، ثواب دارد، حال استغفار زبانی باشد، ثواب دارد و استغفاری که دل همراه زبان باشد، ثواب بیشتر دارد، اما آنچه هست، عمل است یعنی یک دگرگونی در دل، یک خجالت زدگی در دل، و بالاخره در مقابل خدا شرمنده باشد. و اگر مثل شما ولایت داشته باشد که الحمدلله دارید، از امام زمان و از همه ائمه طاهرين و از پیغمبر اکرم هم شرمنده شود؛ برای اینکه قرآن می فرماید اعمال شما در محضر خدا و در محضر پیغمبر و در محضر ائمه «ع» است.

«وَقُلْ اَعْمَلُوا فِی سَبِيلِ اللّٰهِ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» [1]

هرکاری می خواهی بکن، اما توجه به این داشته باش که در محضر خدا و در محضر پیغمبر «ص» و در محضر اهل بیت «ع» هستی. شما این ولایت را دارید و الا اگر این عقیده را نداشته باشید، شیعه نیستید.

در پنجشنبه گذشته همین را گفتم که شیعه عقائدی است که اگر نباشد، شیعه نیست. و من جمله در همین جا. کسی پیدا شود که امام زمان را حاضر و ناظر بر کارهایش و حتی حاضر و ناظر بر دلش نبیند، شیعه نیست. شیعه آنست که عقیده داشته باشد که امام زمان تسلط وجودی بر دلش و در تسلط وجودی بر خانه و زندگی و گفتار و کردارش دارد. امشب علاوه بر اینکه از خدا عذرخواهی می کند، از اهل بیت «ع» نیز عذرخواهی کند. البته عذرخواهی زبان خوب است و اینکه انسان در شب قدر یا در شب های دیگر بگوید «استغفرالله و اتوب الیه»، این خوب است اما آنچه کاربرد دارد، اینست که دل هم با زبان بگوید «استغفرالله ربی و اتوب الیه». آنگاه تصمیم اینکه گناه نکند، با این عمل و با این دل می شود. اینست که علاوه بر اینکه یک دعای مستجاب دارد و علاوه بر اینکه سبب می شود جلسه نورانی به نور او شود و جلسه نورانی به دل نورانی او شود، علاوه بر همه این ها این توبه از هر عبادتی بالاتر است.

قرآن در این باره خیلی حرف دارد. به پیغمبر اکرم «ص» می گوید: یا رسول الله! وقتی توبه کن، پیش تو می آید که توبه کند، سلام مرا به او برسان و به او بگو ناامید نباش. گناه هرچه بزرگ و گناه هرچه فراوان باشد، اگر این حالت برایت پیدا شود، حتماً خدا می آموزد. اصلاً نمی شود کسی به جایی برسد که بگوید خدا مرا نمی آموزد و این گناهش از هر گناهی بالاتر است.

یک قضیه نقل می کنند که یکی از سران هارون الرشید در ماه مبارک رمضان روزه می خورد و رفیقش به او گفت چرا روزه می خوری؟ گفت من می دانم که خدا مرا نمی آموزد. او قضیه عجیبی نقل کرد و بالاخره شصت نفر از سادات را کشته بود. گفته بود خدا مرا نمی آموزد، لذا روزه بگیرم یا نگیرم، فرقی ندارد. این راوی می گوید خدمت موسی بن جعفر «ع» آمدم و قضیه را گفتم. موسی بن جعفر خیلی ناراحت شدند؛ بعد فرمودند این حالتی که برایش پیدا شده، گناهش بالاتر از کشتن آن شصت نفر سادات است. قرآن می فرماید گناه یأس از رحمت خداوند در سرحد کفر است: «وَلَا تَیْأَسُوا مِنْ رَوْحِ اللّٰهِ إِنَّهُ لَا یَیْئَسُ مِنْ رَوْحِ

مأیوس از رحمت خدا نشوید، برای اینکه اگر کسی از رحمت خدا مأیوس شود، گناهش در سرحد کفر است، لذا امشب، شب امید است برای همه. شب توفیق برای همه است. و الان که مصیبت می‌خوانم، در مصیبت به این فکر باشید که امشب خداوند توفیق عبادت و بندگی و ترک معصیت و توفیق توجه و توفیق دعا و مهم‌تر از همه توفیق توبه به شما عنایت کند. توفیق توبه خیلی بالاست و به همه کسی نمی‌دهند. اگر کسی پیدا کرد، بداند که در گرانمایی پیدا کرده، هم برای خودش و هم برای دیگران.

قضیه حضرت موسی(ع) را برایتان گفتم و قضیه خوبیست. رفته بودند برای دعای باران و باران نیامد. خطاب شد ای موسی! یک نفر تمام و سخن‌چین در میان شماست و نمی‌گذارد دعا مستجاب شود. او را بیرون کنید تا باران بیاید و دعایتان مستجاب شود. حضرت موسی داد و فریاد کردند که بیرون برو و تو نمی‌گذاری باران بیاید. مقداری طول کشید و کسی هم بیرون نرفت، اما ناگهان باران آمد و چه باران خوبی. حضرت موسی رابطه را با خدا وصل کرد و فرمود خدایا! کسی از میان ما بیرون نرفت. خطاب شد این باران را برای همان تمام و سخن‌چین دادم، برای اینکه جدا توبه کرد و یک دگرگونی برایش پیدا شد و از گذشته پشیمان شد و از این به بعد تمامی و سخن‌چینی نمی‌کند و با من تعهد کرده و استغفرالله گفته، لذا باران را به خاطر همان توبه دادم.

این تاریخ است و اسرائیلی است، اما قرآن و روایات اهل بیت همین را می‌گویند. اگر امشب حالی پیدا شد و این را توجه داشته باشید که اگر این حال توبه پیدا شد، حال دعا هم پیدا می‌شود و خداوند دعاها را مستجاب می‌کند. اگر این حال توبه پیدا شود، شخصی نمی‌شود و خدا باران رحمتش را نازل می‌کند و به مجلس رحمت و عفو و گذشت می‌کند. ولو یک نفر این حال را پیدا کرده اما نور خدا در مجلس تابیده است و وقتی نور خدا تابیده است، نور خدا همه مجلس را گرفته است. شما امشب خیلی می‌توانید به خلق خدا خدمت کنید. یعنی علاوه بر اینکه با توبه خود موجب سعادت دنیا و آخرت می‌شود، موجب سعادت برای دیگران هم می‌شوید. امشب موقع افطار و قبل از وارد شدن به جلسه به همین توفیق توبه فکر کنید. تقاضا دارم در وقتی که در جلسه دعا شرکت کردید، در خودتان بروید و حرف زدن و اختلاط کردن و العیاذبالله دروغ گفتن و غیبت کردن و تعریف کردن نباشد. بگو من کسی هستم که نعمت خدا را صرف در مخالفت خدا کردم.

شخصی خدمت امام سجاد(ع) آمد و گفت یابن رسول الله! من گناه می‌کنم و نمی‌توانم ترک گناه کنم. امام سجاد(ع) دیدند که حرف زدن با او فایده ندارد، لذا تحریک عاطفه کردند. امام سجاد(ع) فرمودند گناه کن، اما وقتی می‌خواهی گناه کنی، یک جایی برو که خدا تو را نبیند. گفت آقا نمی‌شود.

«يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ» [3] خدا هرکجا باشد می‌بیند. امام فرمودند در مقابل خدا مخالفت خدا کن، اما از نعمت خدا استفاده نکن. این چشم و زبان شما چقدر ارزش دارد! یک غربی یک کتابی نوشته به نام آئین دوست یابی و کتاب خوبیست و در این کتاب یک جمله دارد و می‌گوید ای کسی که خیلی درمانده‌ای و سرتاپا حاجت و سرتاپا بلا و گرفتاری داری، من دو چشم تو را می‌گیرم و تمام دنیا را به تو می‌دهم، آیا می‌دهی یا نه! جوابش منفی است، مگر اینکه کسی دیوانه باشد. دوباره همین آقا می‌گوید ای کسی که خیلی درمانده‌ای و خیلی گرفتاری، دو تا گوشت را می‌گیرم و تمام دنیا را به تو می‌دهم و تمام پول‌های دنیا از تو باشد، آیا می‌دهی یا نه! باز جواب منفی است. یکی یکی جلو می‌رود و می‌گوید دو تا دستت را می‌گیرم و تمام دنیا را به تو می‌دهم یا دو تا پایت را می‌گیرم و تمام دنیا را به تو می‌دهم. حال این آقا نعمت‌های ظاهری را حساب کرده و نعمت‌های باطنی بالاتر از اینهاست و قرآن می‌فرماید: «وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعَمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً» [4] تو نعمت‌های ظاهری داری، مانند دست و پا و چشم و گوش و زبان و اما نعمت‌های باطنی هم داری، از جمله عقل.

الان شما نشستی و صحبت گوش می‌دهید و من صحبت می‌کنم، اگر خدای ناکرده عقل نداشتی، در جلسه می‌آمدی و با داد و فریاد جلسه را به هم می‌زدی، آنگاه چه می‌کردی! حال عقل شما چقدر ارزش دارد. اگر خدا تمام دنیا را به شما بدهد و عقل شما را بگیرد. یا به عنوان مثال اگر بگویند تمام جهان از شما و تمام دلارهای غرب و پول‌های شرق و زمین‌ها برای شما، اما تشیع را از تو می‌گیریم، آیا می‌دهید یا نه؟! کسی آری نمی‌گوید مگر اینکه دیوانه باشد. این نعمت باطنی تشیع و نعمت باطنی اسلام عزیز است. ما نعمت یکی و دو تا و صد تا و هزارتا نداریم و به قول قرآن: «وَأِنْ تَعَدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا» [5] چه کسی می‌تواند نعمت‌ها را بشمارد! شما که خیلی گرفتار و به قول خودتان بدبخت و نکبت زده هستید، آیا می‌توانید نعمت‌های خدا را شماره کنید؟! البته نمی‌توانید.

امام سجاد(ع) به این آقا گفتند گناه کن اما از نعمت‌های خدا استفاده نکن. او گفت این بدتر است و چطور می‌شود از نعمت‌های خدا استفاده نکرد، هرچه هست از اوست:

«قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكَ الْمُلْكِ» [6]

فرمودند گناه کن و در محضر خدا گناه کن و نعمت‌های خدا را بخور و گناه کن، اما از ملک خدا بیرون برو. مثلاً شخصی یک کسی را مهمانی کرده و خیلی به او احترام می‌گذارد و از اطاق بیرون می‌رود و ناگهان می‌بیند این مهمان از در نگاه به زنش می‌کند، چقدر منفور می‌شود.

آن‌کس که نمک خورد و نمکدان بشکست پیش رندان حقیقت سگ به از اوست

حال ما در ملک خدا نعمت خدا را می‌خوریم و در محضر مقدس خدا گناه می‌کنیم.

امام سجاد(ع) باز حرف آخر را زدند و فرمودند گناه کن اما وقتی عزرائیل آمد که جان‌ت را بگیرد، نده. در وقتی که ملائکه غلاظ و

شداد می‌خواهند تو رابه جهنم بکشاند، نرو. او گفت نمی‌شود. آنگاه آقا امام سجّاد«ع» نتیجه گرفتند و فرمودند تو که اینقدر دلیل هستی در مقابل خدا با این همه نعمتی که خدا به تو داده و در محضر مقدس خدا، چگونه گناه می‌کنی! [7]

یکی از تضرع و زاری‌های ائمه طاهربین«ع» و نسبت دادن گناه به خودشان، همین جاست، که مثلاً امیرالمؤمنین«ع» که دعای کمیل دارد، معنایش اینست که خدایا! من چطور در مقابل این نعمت‌های تو می‌توانم بی تفاوت باشم. اگر بخوام شکرش را بکنم، نمی‌شود برای اینکه: «وَإِنْ تَعَذُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا» [8]

و اگر بی تفاوت باشم، بی‌وفا هستم. پس بنابراین خدایا! تضرع و زاری می‌کنم که تو مرا ببخش و خدا هم می‌بخشد. چهارده معصوم«س» که معصومند و گناه نمی‌کنند، معانی مختلف دارد و یک معنایش همین است که در مقابل نعمت‌های خدا نمی‌توانند شکر کنند و در مقابل ولایت مطلقه که امیرالمؤمنین«ع» دارد، نمی‌تواند شکر کند، لذا در مثل دعای کمیل گریه و زاری و مدهوش شدن و خدا خدا کردن و نسبت گناه به خودش دادن.

بله، اهل دل و بزرگان یک معنای دیگر هم می‌کنند و می‌گویند معنایش اینست که گناه مراتب دارد: «مَرَاتِبُ التَّوْبِ كَمَرَاتِبِ الثَّقَى» [9]

همینطور که تقوا مراتب دارد، گناه نیز مراتب دارد و مراتب گناه، یکی ترک اولی و کراهت است و یکی هم توجه به غفلت‌هاست. امیرالمؤمنین«ع» که نمی‌تواند دائم‌التوجه باشد و یا پیغمبر اکرم«ص» که نمی‌تواند دائم‌التوجه باشد. بالاخره گاهی خواب است و گاهی غذا می‌خورد و گاهی تماس با زن دارد و بالاخره گاهی تماس با مردم دارد و آن وقت‌ها مقام لقاء کم می‌شود و بالاترین گناه برای چهارده معصوم«ع» همین است. لذا دعای ابوحمره ثمالی را می‌خواند با آن مضمون بالا؛ که دعای ابوحمره ثمالی مضمون عجیبی دارد. حال همه و حتی چهارده معصوم، در مقابل خدا باید خجالت زده باشیم و باید شرمندۀ باشیم. این حالت حتماً در جلسه ما هست و مخصوصاً در میان خانم‌ها که از خدا گله داریم. خودمان موجب شدیم بلا برایمان درست شده و جامعه موجب شده و جامعه پر از گناه شده و گناهش دست و پا پیچ ما شده و ما از خدا گله می‌کنیم به جای اینکه از خودمان گله کنیم. به جای اینکه گریه و زاری کنیم که خدایا نمی‌توانم شکر نعمت‌هایت را بکنم و در محضر مقدس تو گناه کردم و مخالفت کردم و حالت توبه و انابه برایم پیدا شود، به جای آن گله مند از خدا هستیم و بالاترین کفر در پیش اهل دل همین است که انسان از خدا ناراضی باشد. بالاترین مقام برای بنده، مقام رضا و تسلیم است.

«يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ، ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً، فَادْخُلِي فِي عِبَادِي، وَادْخُلِي جَنَّاتِي» [10]

بندگانی هستند که خدا از آن‌ها راضی و آن‌ها هم از خدا راضی هستند. خوشا به حال این‌ها که مقام رضا و تسلیم دارند. حال ما از مقام رضا و تسلیم گذشتیم، اما من از همه شما تقاضا دارم از خدا گله نکنید، زیرا این در پیش اهل دل کفر است. این در پیش آقا امام زمان خیلی مبعوض است. موجب می‌شود دعا مستجاب نشود و موجب می‌شود اهل بیت شفاعت برای حوائج و روز قیامت‌مان نکنند.

بعضی اوقات چهار یا پنج مرتبه به مشهد می‌رود و چیزی می‌خواهد که صلاح او نیست که به او بدهند، البته آقا امام رضا می‌دهد اما این چیزی که این می‌خواهد صلاح نیست و چیز دیگری می‌دهد و ناگهان این با امام رضا قهر می‌کند و به مشهد نمی‌رود. این کفر و بدبختی و نکبت است. لذا من امروز از همه شما تقاضا دارم از خدا راضی باشید. اما بحث امروزمان اینست که اگر از شما بپرسند بالاترین عبادت‌ها چه در شب قدر و چه در غیر شب قدر چیست؛ اجتناب از گناه و بالاتر از آن توبه از گناه است. ثواب اجتناب از گناه خیلی بالاست اما بالاتر از اجتناب از گناه، توبه و انابه است و معنای توبه هم یعنی انسان یک حالی پیدا کند و از گفتار و کردار و رفتار شرمندۀ شود و تصمیم بگیرد کار زشت در محضر مقدس خدا نکند. آنگاه می‌شود حرّ بن یزید ریاحی، که گناه خیلی بزرگ بود اما خیلی بالا رفت و در یک ساعت به شهدای کربلا رسید.

آقا امام حسین«ع» به اصحابش می‌فرماید بهتر از شما نبوده و نخواهد آمد و بهترین شهدا شما هستید. [11] حرّ بن یزید ریاحی به یک ساعت خودش را رساند به جایی که به جز خدا نداند. آقا امام حسین در وقتی که بالای سر او رفتند، برای هیچکس این کار را نکردند و حتی برای علی اکبر که فرقی شکافته بود، این کار را نکردند، اما فرق حرّ بن یزید شکافته بود و امام دستمال مبارکش را درآورده و به پیشانی او بستند. می‌گویند در زمان یکی از سلاطین قبر را شکافتند و بدن تازه بود و طمع کرد و دستمال را از سر باز کرد و خون جاری شد و دوباره دستمال را بستند. این ثواب توبه و مقام توبه است. اما به راستی توبه باشد یعنی خجالت زده از گذشته و خجالت زده مثل حرّ بن یزید ریاحی باشد، که بدنش مثل بید می‌لرزید و گفت حسین! گناه من خیلی بزرگ است و امام فرمود تو را بخشیدم. گفت! حسین! گناه من خیلی بزرگ است و اول کسی که بدن زینب را لرزاندۀ من بودم و من شما را محصور کردم. امام فرمودند تو را بخشیدم. گفت اگر بخشیدی، پس بروم و در راه تو شهید شوم. فرمودند برو و این برو خیلی افتخار برای حرّ است. گفت اجازه بده من از زینب عذرخواهی کنم. فرمودند تو برو و من خودم از زینب عذرخواهی می‌کنم. معنایش اینست که مردان باغیرت که امشب می‌خواهید توبه کنید، زن‌های با عفت که امشب می‌خواهید توبه کنید، حسین شما حاضر نشد نامحرم با زینب حرف بزند.

پی نوشتها

- [1]. التوبه، 105: «و بگو:» [هر کاری می‌خواهید] بکنید، که به زودی خدا و پیامبر او و مؤمنان در کردار شما خواهند نگرست.
- [2]. یوسف، 87: «و از رحمت خدا نومید مباشید، زیرا جز گروه کافران کسی از رحمت خدا نومید نمی‌شود.»
- [3]. غافر، 19: «[خدا] نگاه‌های دزدانه و آنچه را که دل‌ها نهان می‌دارند، می‌داند.»

- [4]. لقمان، 20: «و نعمت‌های ظاهر و باطن خود را بر شما تمام کرده است.»
- [5]. ابراهیم، 34: «و اگر نعمت خدا را شماره کنید، نمی‌توانید آن را به شمار درآورید.»
- [6]. آل عمران، 26: «بگو: «بار خدایا، تویی که فرمانفرمایی؛ هر آن کس را که خواهی.»
- [7]. رک: جامع الاخبار، ص 130.
- [8]. ابراهیم، 34: «و اگر نعمت خدا را شماره کنید، نمی‌توانید آن را به شمار درآورید.»
- [9]. شرح المنظومة، ص 355.
- [10]. الفجر، 27 تا 30: «ای نفس مطمئنه، خشنود و خدایسند به سوی پروردگارت بازگرد، و در میان بندگان من درآی، و در بهشت من داخل شو.»
- [11]. رک: الارشاد، ج 2، ص 91.